
تأویل قرآن در مثنوی

بررسی تطبیقی مثنوی با تفاسیر: المیزان، تبیان، کشف الاسرار، کبیر

دکتر سیدحسین سیدی



انتشارات سخن، تهران

سرشناسه : سیدی، حسین
 عنوان و نام پدیدآور : تأویل قرآن در مثنوی / حسین سیدی.
 مشخصات نشر : تهران: سخن، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۵۱۸ ص.
 شابک : 1 - 435 - 372 - 964 - 978
 وضعیت فهرست نویسی : فیا.
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. - معلومات - قرآن
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. - مثنوی - قرآن
 موضوع : قرآن در ادبیات فارسی
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹ ت ۸۷ ص / PIR۵۳۰۱
 رده‌بندی دبیری : ۸۵۱/۳۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۸۳۰۰۱



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، شماره ۴۸



تأویل قرآن در مثنوی

بررسی تطبیقی مثنوی با تفاسیر: المیزان، تبیان، کشف الاسرار، کبیر

تألیف: دکتر سیدحسین سیدی

چاپ اول: ۱۳۸۹

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

تیراژ: ۲۲۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۴۳۵-۱



مرکز پخش: خیابان انقلاب، تهران، مقابل دانشگاه، شماره ۱۲۲۴

تلفن ۶۶۴۶۰۶۶۷

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۳	 پیش گفتار
۵۷	 دفتر اول
۱۶۵	 دفتر دوم
۲۳۱	 دفتر سوم
۳۰۱	 دفتر چهارم
۳۴۳	 دفتر پنجم
۳۹۷	 دفتر ششم
۴۶۳	 کتابنامه

مقدمه

تاریخ تفسیر قرآن، پیشینه‌ای بس طولانی دارد. مسلمانان از همان آغاز به قرائت، تأمل و تفسیر آیات پرداخته‌اند. هر چند از پیامبر اکرم مطالبی در باب تفسیر قرآن وجود ندارد و از پیشوایان معصوم هم جز اندک اشاراتی به آیات که جنبه تفسیری داشته باشد، در دسترس نیست ولی اندیشمندان مسلمان هرگز در تبیین مطالب این کتاب مقدس کوتاهی نورزیده‌اند. مفسران قرآن در طول تاریخ تفسیر، رویکردهایی متعدد داشته‌اند، از تفسیر روایی گرفته تا تفسیر فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی و ادبی؛ همه در پی گشودن رمز و رازهای این کتاب مقدس بوده‌اند. این رویکردهای متفاوت هرچند که هریک به چهره‌ای از آن پرداخته و بیانگر مشرب خاص هرگروه و یا فرقه مذهبی است، اما قبل از هرچیز بیانگر این مطلب است که قرآن کریم متنی دارای لایه‌های متعدد است که همچنان پرده برداری از آن از دل مشغولی‌های اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان به شمار می‌رود. با توجه به این مطلب، بررسی روش‌های مفسران قرآن و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند در فهم هرچه بیشتر مطالب این کتاب ارزشمند کمک نماید.

پژوهش حاضر با این رویکرد، به بررسی چهار تفسیر در حوزه سنت تفسیری

شیعه و اهل سنت، یعنی تفسیر التبیان، تفسیر کبیر، المیزان و کشف الاسرار و به ترتیب با رویکردهای زبانی، کلامی، قرآنی و عرفانی پرداخته است، سپس هریک از این تفاسیر در آیات مربوط با برداشت مولانا در مثنوی مقایسه شده است. پژوهشگر خود به این نکته واقف است که مثنوی، تفسیر قرآن به معنای معمول نیست؛ چون مولانا نه به تفسیر موضوعی پرداخته است و نه به تفسیر آیه به آیه و نه تفسیر زبانی و امثال آن، بلکه مولانا جز در مواردی که رسماً به تفسیر آیات می‌پردازد در سراسر این کتاب شریف با توجه به مقتضای کلام از آیات قرآن مدد می‌گیرد و به نوعی به شرح و بسط آنها می‌پردازد که این‌گونه تبیین‌ها را می‌توان تفسیر مولانا از این آیات به شمار آورد.

مولانا در مثنوی به بیش از ده هزار آیه اشاره داشته که گاه تفسیر رسمی آنها می‌باشد و گاه تنها به اشاراتی زبانی پرداخته است. کثرت آیات به کاررفته در مثنوی چه از سر اقتباس، تضمین، تلمیح و چه از سر تفسیر و تأویل آنها نشانگر آن است که ذهن و زبان مولوی در بند قرآن بوده است، لذا در این پژوهش تنها به آیاتی پرداخته شده که نوعی تفسیر یا تأویل از آن، در کلام مولوی به چشم می‌خورد و از آیاتی که تنها به اشاره‌ای زبانی و لغوی بدان پرداخته است، صرف نظر شده است. در ضمن چون بنای این پژوهش آیات تفسیر شده در مثنوی می‌باشد، از ابیاتی که در خود معنای آیات را پنهان دارند نیز صرف‌نظر شده است، چون در بسیاری از ابیات مثنوی بی‌آن که اشاره‌ای به آیه یا بخشی از آیه شده باشد، معنا و محتوای آن پیام قرآنی نهفته است.

اما رویکرد به تفاسیر رسمی قرآنی که به آنها اشاره شد، هریک به جهتی بوده است. تفسیر کبیر فخر رازی بدین سبب مورد توجه قرار گرفت که از تفاسیر

معتبر اهل سنت است و مؤلف آن از بزرگان و اندیشمندان حوزه فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید و رویکرد وی در تفسیر که رویکردی است کلامی و عقلانی می‌تواند رهگشای آشنایی با این روش باشد. تفسیر تبیان که از تفاسیر معتبر شیعه و با رویکردی زبانی است می‌تواند از شاخصه‌های این شیوه تفسیری به حساب آید. تفسیر کشف‌الاسرار که رویکردی صوفیانه دارد می‌تواند بیانگر مشابهت‌های تفسیری مثنوی نیز باشد. اما تفسیرالمیزان که بنا به قول مؤلف آن، تفسیر قرآن به قرآن است، می‌تواند دوری یا نزدیکی تفاسیر را نسبت به قصد اصلی متن قرآنی نشان دهد. البته قصد پژوهشگر آن نبوده است که به داوری در فهم تفسیری مفسران بپردازد، بلکه بیشتر مطالعه‌ای است تطبیقی در شیوه مفسران که هریک با رویکردی که داشته به برداشتی متفاوت از آیات رسیده است. در ضمن از این نکته هم غفلت نشده است که مقایسه این تفاسیر با هم با توجه به تفاوت مشربهای آنها استوار نمی‌نماید بلکه این نوشته، مجالی فراهم می‌آورد که ضمن آشنایی با نگرش هر یک از مفسران، شیوه خاص مولانا در تعامل آیات را نیز دریابیم، لذا هدف این پژوهش تطبیق به معنای وام‌گیری مفسری از مفسر دیگر و یا اثر‌پذیری و اثرگذاری هیچ یک از آنها نمی‌باشد، بلکه هدف، بیان این مطلب است که تفسیر عرفانی و به ویژه تفسیر و نگرش مولوی به قرآن چندان با تفاسیر غیر عرفانی تفاوت ندارد بلکه تفسیر مولوی چنان که خواهیم آورد فرارفتن از لفظ و ظاهر آیات است که کمتر به تأویلات افراطی دچار شده است.

و ما توفیقی الا بالله

مید حسین سیدی

مشهد مقدس تابستان ۱۳۸۹

پیش گفتار

مولوی و قرآن

تفسیر یا تأویل

چنان که گذشت پژوهش حاضر مطالعه ای تطبیقی میان آیات مثنوی با چهار تفسیر قرآن کریم است که دو تفسیر در حوزه تفسیری اهل سنت و دو تفسیر در حوزه تفسیری شیعه می باشد. تفاسیر قرآن که مد نظر پژوهشگر بوده اند به ترتیب تفسیر مفاتیح الغیب یا التفسیر الکبیر از امام فخر رازی، کشف الاسرار و غده الابرار از ابوالفضل میبدی [در حوزه تفسیری اهل سنت] و التبیان شیخ طوسی و المیزان علامه طباطبایی [در حوزه تفسیری شیعه] می باشد. این تفاسیر با وجود اختلاف در روش تفسیری مفسران آنها به جهتی وجه اشتراک دارند و آن تلاش هریک از مفسران در کشف معنای واقعی کلام خداوند است. قبل از پرداختن به مسأله اصلی این گفتار که رویکرد مولوی به قرآن و تفاوت تفسیر و تأویل از

دیدگاه قرآن پژوهان و مفسران می باشد، لازم است اندکی به شیوه تفسیری هریک از تفاسیر مزبور اشاره شود.

تفسیر کبیر از ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن علی ملقب به فخرالدین متولد ۵۴۴ هجری قمری است. رازی از اندیشمندان برجسته عصر خود و متکلمی فرهیخته بوده است. وی که از بزرگان اهل سنت و جماعت و معتقد به مذهب شافعی است در تفسیر خود بیش از هر چیز گرایش کلامی دارد، تا جایی که گفته‌اند «این کتاب بیش از هر چیز به دایرةالمعارف علم کلام شبیه است تا تفسیر و همین اهمیت آن را در حد تفسیر قرآن می‌کاهد»^۱ هرچند صبغه غالب بر این تفسیر، کلامی است ولی مؤلف آن از بیان دیگر وجوه کلامی در تفسیر غفلت ننموده است، یعنی به مسائل اصولی، نحوی و بلاغی هم می‌پردازد. در کنار این مسائل از نکات برجسته این تفسیر بیان تناسب میان آیات و سوره‌هاست، به این معنا که در تفسیر آیه سرآغاز سوره‌ای به ارتباط معنایی با آیات و حتی سوره‌های پیشین هم می‌پردازد. از دیگر نکات مطرح در این تفسیر آن است که رازی وقتی به آیات احکام می‌رسد به ذکر آرای فقهای مذاهب به ویژه فقه شافعی می‌پردازد.

اما به طور کلی ویژگی‌های مهم تفسیر کبیر را می‌توان چنین بر شمرد:^۲

- ۱- تفصیل بسیار، گاه در حد اطناب در تفسیر او مشاهده می‌گردد؛
- ۲- در تفسیر کبیر بحث‌های فرعی بسیار است. در زمینه همه معارف از فقه و

۱. ذہبی، محمد حسین، التفسیر والمقرآن، قاهره، ۱۹۷۶ ج ۱، ص ۲۹۵

۲. المعماری، علی محمد، الامام فخرالدین الرازی حیاته وآثاره، ص ۱۱۷-۱۳۶ به نقل از قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، ۱۳۷۲